

سبک آپارتمان نشینی



آپارتمان‌ها محرم اسرارمان نیستند

سروصدا را به فال نیک گرفتیم و گفتیم سحر خیز می شویم!

■ **مطهره تنگستانی**

خاطرات دوران کودکی‌مان در خانه‌هایی رقم خورد که اتاق‌های کوچک‌تو در توی آن دور حیاط را گرفته بود و از یک اتاق وارد می‌شدیم و از اتاق دیگر در آن سر حیاط بیرون می‌آمدیم. حیاطی که با برادرها و خواهرها گاهی مشغول گل کوچک و گاهی هم وسطی بودیم. گاهی با توپ شیشه‌های اتاق را می‌شکستیم اما ترس شکستن شیشه‌ها همسایه را نداشتیم. آن قدر حیاط داشتیم که فضا برای شوت‌های ما کافی بود. روزها گذشت و سال‌ها رفت و کم‌کم مردم به شهرنشینی مشغول شدند. دیگر برای مردم انجام کارهای سخت کشاورزی و دامداری و درآمدهای کم و سختی فراوان این مشاغل و کفاف ندادن آن برای زندگی‌شان غیر قابل تحمل شده بود و آنان را به پشت میز نشینی و کارهای راحت‌تر و در آمد بیشتر خو گرفتند. کم‌کم از حاشیه‌ها و روستاهای اطراف کوچ کرده و شهرها را محل زندگی خود قرار دادند تا شاید پیشرفت‌های چشمگیر داشته باشند و در فرهنگ خود را با روز تطبیق دهند اما بالا رفتن سطح فرهنگ همانا و افزایش جمعیت شهرها و مشکلات آن نیز همان.

■ ■ ■

■ **قوطلی کبریت‌هایی به نام خانه**

شهرها روز به روز جمعیت بیشتری را به خود می‌دیدند و آمارها لحظه به لحظه رو به افزایش بود. آن طرف بودند روستاهایی که تخلیه می‌شدند. افراد هم برای راحتی بیشتر تلاش می‌کردند حتماً باید خانه‌های شان به مرکز شهر نزدیک باشد، همه چیز باید در دسترس‌شان باشد و... مگر می‌شود که ۲۰ دقیقه پیاده‌روی کنند تا به جایی برسند تا بتوانند مایحتاج خود را خرید کنند؟ همین فشارها و راحت‌طلبی‌ها به اینجا رسید که نقطه‌ای از شهرها هدف هجوم همه مردم قرار گرفت و برای اینکه در این نقاط افراد بیشتری بتوانند زندگی کنند خانه‌های حیات‌دار با آن جنس‌های پراز مایه تبدیل شدند به آپارتمان. قوطلی کبریت‌های کوچکی که نام‌شان را خانه گذاشتیم و از آن زندگی آسوده و با برکت به پهنه‌های واهی افزایش سطح فرهنگ خانواده و راحتی آنها با کاهش تلاش خودمان کوچ کردیم. اما آیا واقعاً شهرنشینی به افزایش فرهنگ ما و هر آنچه فکر می‌کردیم کمکی کرد؟ واقعاً سطح زندگی ما بالا

نگاه

■ **بهنام صدقی**

آپارتمان نشینی زندگی در واحدهایی است که شبیه قوطلی کبریت هستند و انگار فقط خواسته که مکانی باشد برای خوابیدن. به عبارتی یک نوع خوابگاه. خوابگاه‌هایی عاری از هر گونه روح زندگی و تعاملی که باید در زندگی ما انسان‌ها باشد تا بتوانیم زندگی باشیم. از دشواری‌ها و ویژگی‌های فرهنگی که بر سر راه آپارتمان‌نشینی در ایران قرار دارد، می‌توان به این موارد اشاره کرد: شمار اعضای خانواده، دید و بازدیدها، آشپزی و آشپزخانه، وسایل خانه، جای خواب، بلندی صدا، مالکیت خانه و مالکیت آپارتمان، نگهداری حیوانات، زباله‌ها و نهایتاً مالکیت‌ها و مسئولیت‌های مشترک.

به قول ارسطو ما برای بقای خود نیاز به ارتباط داریم اما آیا این نیاز در ساختمان‌هایی این چنینی بر طرف می‌شود؟ آیا نیاز به ایمنی، از جمله نیازهایی که روانشناس انسان‌گرا، آبراهام مزلو به عنوان نیازهای اولیه ما انسان‌ها عنوان می‌کند، در چنین واحدهایی به دست می‌آید؟ نیاز به صمیمیت، عشق و تعلق خاطر چطور؟ متأسفانه شرایط اقتصادی – اجتماعی جامعه، ما را هر روز بیش از پیش به سمت آپارتمان‌نشینی می‌برد و کم‌کم خانه‌های حیات‌دار با آن همه روح زندگی به فراموشی سپرده شده و حیات همسایگی صمیمانه را با مآخضه روبه‌رو کرده‌است. امروز کودکان آپارتمان‌نشین یک وجب جابری بازی کردن ندارند. خانه‌های آپارتمانی به واسطه همه محدودیت‌های

رفته و خانواده‌مان راحت زندگی می‌کنند؟

■ **آپارتمان‌نشینی و حسرت خاک‌بازی**

به زندگی‌مان که برگردیم تفاوت را به خوبی درک می‌کنیم. چقدر تربیت‌های قدیمی بی‌آنکه مبانی تربیتی را بخوانند و بداند عالی بود به طوری که همه سر سفره منتظر می‌نشستیم و تا پدر خانه نیامده بود به احترام او غذا را شروع نمی‌کردیم اما حالا پدر خانه آن قدر درگیر هیاهوی شهرنشینی شده که شاید وقت نکند روزهای جمعه هم با خانواده خود غذا بخورد. کمتر می‌دیدیم که فرزندی پای خود را مقابل پدر و مادر دراز کند، دخترها و پسرها همیشه در آن حیاط بزرگ مشغول بازی بودیم. اتاق‌های زیاد خانه‌مان اتاق دختر و پسر را جدا کرده بود و شب‌ها پسرها در اتاق مشغول شیطنت‌های پسرانه بودند و ما دخترها هم در اتاق‌مان مشغول افکار دخترانه خود. اما کودک‌کان ما امروز در حسرت اینکه یک همبازی پیدا کنند و قدری اجازه یابند تا روزشان را در حیاط خاک‌بازی کنند و از این سر حیاط به سر دیگر پارهنه بدونند و شب با تمام خستگی از بازی‌های روزانه‌شان در رختخواب بیهوش شوند، مانده‌اند.

■ **فرهنگی از جنس آپارتمان‌نشینی**

چگونه می‌توانیم اعتقاد داشته باشیم که در فرهنگ و زندگی‌مان افزایش سطح داشته وقتی که در آپارتمان

روانه شاهد اتفاقات عجیب و غریب هستیم؟ دیشب همسایه روبه‌رویی‌ما مهمانی داشتند. کفش‌های مهمانان کل راهرو را گرفته بود. بهشان حق دادم. آخر ۲۰، ۳۰ جفت کفش که در یک خانه ۸۰متری با وجود این همه مهمان جا نخواهد شد. گفتیم باید این یک شب را کنار بیایم. سرر و صداها که بماند. آن را هم تحمل کردیم. تازه بچه کوچکم را خوابانده بودم که ساعت یک پس از نیمه شب مهمانان قصد عزیمت به منازل‌شان را کردند. با خداحافظی صاحب خانه را خوشحال اما ما را ناراحت کردند! آن چنان راهرو را سر و صدا گرفته بود که کودک‌ما از خواب بیدار شد. افزایش فرهنگ این است؟! فرهنگی از جنس آپارتمان‌نشینی؟! تا کی و کجا؟

■ **گفتیم سحر خیز می شویم**

در ساختمان قبلی که زندگی می‌کردیم بالای سرمان همسایه‌ای داشتیم که دختری ۵، ۴ساله داشت. هر روز ساعت ۷صبح که می‌شد انگار کل وسایل چوبی خانه‌شان را جابه‌جا می‌کردند. آنها را روی زمین می‌کشیدند.

نه اینکه بلند کنند! صدای جبر جبر وسایل مغز ما را داغان می‌کرد باز هم این را به فال نیک گرفتیم و گفتیم خوب است، سحر خیز می‌شویم! یکی از معضلات دیگر آپارتمان‌نشین‌ها که خود هم آن را تجربه کرده‌ام این است که برای بردن زباله‌ها به بیرون بی‌دقتی‌های زیادی می‌شود و آب زباله کل راهروی ساختمان را کثیف می‌کند و هیچ کس هم خودرا مسئول نمی‌داند. یا کثال کشتی‌هایی که در کل ساختمان یکی است معضلات را چند برابر می‌کند. وقتی فن باز یافت هوا را روشن می‌کنی بوی سیگار و قلیان همسایه، فضای خانه‌تان را فرامی‌گیرد و شما هیچ کاری نمی‌توانی انجام دهی. از بیشترین چیزی که در زمان زندگی‌ام در آپارتمان رنج می‌بردم این بود که روزها که غذا را بار می‌گذاشتم وقتی بوی مره‌سبزی و ماهی ... در خانه می‌پیچید یا خود می‌گفتم خدا نکند که همسایه‌ای امروز غذا نداشته باشد یا مبلش به این غذای ما بکشد و گاهی با اگر اه می‌خوردم، حالا از دعواهای بین اوحدها می‌گذرم.

■ **خانه‌هایی که محرم اسرار صاحب‌خانه بودند**

خانه‌های قدیمی با آن ساخت زیبا، خوبی‌شان به این بود زن و شوهری که با هم دعوا می‌کردند – همان دعواهای نمک زندگی را می‌گویم – خواهر و برادر که با هم دعوا می‌کردند کسی نمی‌شنید و خانه‌ها محرم اسرار



آشپزخانه‌های قدیم را که ببینی خوب بود دانی چه می‌گویم. خانم‌ها در جایی بودند که کسی کاری به کارشان نداشت. وقتی غذایشان را برای مهمان آماده کرده بودند، بدون هیچ استرس و اضطرابی در جمع مهمان حاضر می‌شدند اما حالا با این آشپزخانه‌های open غربی و این روزها هم که سبک‌های جدیدتر آن با نام جزیره‌ای و... یا به میدان گذاشته، نام‌جوی خانه باید با اضطراب غذایشان را قبل از رسیدن مهمانان آماده کند

دیروز خانه‌های ویلایی، امروز سلول‌های آپارتمانی

تهدید حیات همسایگی با حذف حیاط

ذکر شده که اجازه هر نوع تعامل انسانی را از ما گرفته است، ما را بیش از پیش به سمت جدایی از دنیای واقعی و گرفتار آمدن در دنیای مجازی می‌کشاند. همان طور که می‌دانیم دنیای مجازی دنیای امنی نیست چرا که ارتباطات در آن بدون هیچ قاعده و قانون خاصی شکل می‌گیرد، بنابراین برای فردی که حتی به ارتباط را در منزل و در ارتباط با اعضای خانواده



امروز آپارتمان‌ها محرم اسرار ما نیستند. اینجا سست که آدم می‌تواند بگوید دیوار موش دارد و موش هم گوش. خانه‌های‌مان را جوری ساخته‌ایم که به جای اینکه ما به عذاب ماست، فرهنگ غرب را وارد کرد. فرهنگ غرب را وارد می‌کردیم که چه می‌گویند.

امروز آپارتمان‌ها محرم اسرار ما نیستند. اینجا سست که آدم می‌تواند بگوید دیوار موش دارد و موش هم گوش. خانه‌های‌مان را جوری ساخته‌ایم که به جای اینکه مایه آسایش‌مان باشد، موجب عذاب ماست. فرهنگ غرب را وارد ساختمان‌سازی‌مان کرده‌ایم. در جایی که زمانی در معماری حرف اول دنیا را می‌زد، یعنی ایران، هنوز که هنوز است توریست‌های دنیای می‌آیند و به حال معماری ما غیظه می‌خورند. سعی می‌کنیم خودمان را شبیه دیگران کنیم اما به جای صعود، سقوط می‌کنیم!

آشپزخانه‌های قدیم را که ببینی خوب می‌دانی چه می‌گویم. خانم‌ها در جایی بودند که کسی کاری به کارشان نداشت. وقتی غذایشان را برای مهمان آماده کرده بودند، بدون هیچ استرس و اضطرابی در جمع مهمان حاضر می‌شدند اما حالا با این آشپزخانه‌های open غربی و این روزها هم که سبک‌های جدیدتر آن با نام جزیره‌ای و... یا به میدان گذاشته، بانوی خانه باید با اضطراب غذاایش را قبل از رسیدن مهمانان آماده کند تا مبادا آشپزخانه به هم ریخته نباشد و مبادا همه ببینند و بوی غذا بقیه را اذیت کند و من به عنوان خانم خانه وقتی آنها می‌رسند راحت نباشم ...

آدم‌یم فرهنگ‌مان را بالاتر ببریم اما فرهنگ بالای خودمان را فراموش کردیم. خانه‌هایی که محرم اسرارمان بود، شد فاش‌کننده رازمان و خانه‌ای که در آن می‌آسودیم، تنش و استرس‌مان را بیشتر کرد. بهتر است به حال خود و فرزندان‌مان فکری نکنیم. حضرت امیر می‌فرمایند: «آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم میسند». اگر بتوانم این را سرلوحه قرار دهم شاید بتوانم در زندگی اجتماعی خودم که آپارتمان‌نشینی هم یکی از مهم‌ترین اجتماعات زندگی‌ام است موفق شوم. وقتی دوست ندارم صدای همسایه مرا اذیت کند، خودم هم اهل رعایت این نکته باشم. یا وقتی کشییی راهرو را می‌بینم به این فکر کنم که باید خانه خود در بیرون گذاشتن زباله‌ها و همین طور در بقیه کارهایم مراقب باشم.



■ **سُها سپهری**

رشد جمعیت شهری و گذر زمان در چند دهه گذشته از جمله عواملی بود که تغییرات بنیادی و اساسی در نحوه و شکل زندگی مردم به وجود آورد. رفته رفته شهرنشین شدن مردم، سنت‌ها را کمرنگ کرد. شهر شلوغ شد و از دیاد جمعیت، مردم را به آپارتمان‌نشینی وادار کرد. آپارتمان‌ها بنا به تعریف، واحدهایی از یک مجموعه ساختمانی هستند که در عرصه واحد، از یک پلاک تبتی خاص با واحدهای مستقل با سندن تفکیکی خاص و مجزا بنا شده‌اند. به قول پدر بزرگم آپارتمان مثل قفسی است که انگار آدم را درونش زندانی کرده باشند. بیراه هم نمی‌گفت. خانه‌یاب‌های قدیم کجا و این آپارتمان‌های بی‌نور کجا.

■ ■ ■

■ **وقتی خانه، لانه می‌شود**

از همان وقتی که خانه‌ها لانه شد، میل هم جایگزین خوبی برای پستی شد و... همه چیز لوکس و زیبا شد اما متأسفانه هنوز که هنوز است قاطر ظاهر قضیه لوکس به نظر می‌رسد چرا که هنوز عده‌ای معتقدند کاش در همان خانه‌های بزرگ قدیمی و اصیل زندگی می‌کردند. بلند صحبت کردن، صدای گروپ گروپ راه رفتن و سرر و صدا ایجاد کردن از جمله مواردی است که مخل آسایش همسایه شده و موجب سلب آرامش‌شان می‌شود.

■ **چهار دیواری، اختیاری نیست**

خانه‌های نورفتارهای نو هم می‌طلبید. پس مسلماً این وظیفه ماست که حقوق همسایگی را به‌جا آوریم. «چهار دیواری اختیاری» اصطلاحی است که بارها شنیده‌ایم یا شاید خودمان هم گوینده آن بوده‌ایم. به نظر می‌رسد این روزها چهار دیواری هست اما چیزی به نام اختیار وجود ندارد. قرار نیست اختیار کنیم و موجب سلب آرامش دیگری شویم. کافی است اجراکننده همانی باشیم که از دیگران انتظار داریم. اما آنچه نشان‌دهنده فرهنگ آپارتمان‌نشینی است با عبارت چهار دیواری اختیاری در مغایرت است.

■ **همسایه دیوار به دیوارمان را نمی‌شناسیم**

طبق فرمایش امیرالمؤمنین حضرت علی (ع): «قبل از مسافرت بین هم‌سفرت کیست و پیش از خرید خانه بین همسایهات کیست» اما متأسفانه این مهم در حوزه به جایی رسیده که حتی همسایه دیوار به دیوار‌مان را هم نمی‌شناسیم. دنیای عجیبی است. بچه‌های نسل امروز به هیچ عنوان نمی‌توانند مانند بچه‌های نسل دیروز بچگی کنند چرا که نه مکان و فضای مناسبی برای بازی و ورجه و ورجه کردن‌های‌شان هست نه همسایه‌ها به این امر رضایت می‌دهند.

■ **آموختن آداب آپارتمان‌نشینی**

از دیگر معضلات آپارتمان‌های امروز، نگاه‌از بالا کردن صاحب خانه به مستاجر، بدخلقی همسایگان و... است. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرمایند: «چهار چیز روزی را زیاد می‌کند: خوش‌خلقی و خوش‌رفتاری با همسایگان، آزار نرساندن به دیگران و کم کردن بی‌قراری». آموختن آداب آپارتمان‌نشینی جزئی از وظایف مهم محسوب می‌شود. زندگی در یک آپارتمان مسکونی می‌تواند از مزایای زیادی برخوردار باشد. از جمله از لحاظ اجتماعی، امنیت مسکونی، هزینه‌های کمتر، دسترسی کامل



«چهار دیواری اختیاری» اصطلاحی است که بارها شنیده‌ایم یا شاید خودمان هم گوینده آن بوده‌ایم. به نظر می‌رسد این روزها چهار دیواری هست اما چیزی به نام اختیار وجود ندارد. قرار نیست اختیار کنیم و موجب سلب آرامش دیگری شویم. کافی است اجراکننده همانی باشیم که از دیگران انتظار داریم

سبک سکونت



وقتی خانه، لانه می‌شود

«آپارتمان لوکس» نام خانه نیست

به اغلب اماکن تفریحی و... که بسیار هم مطلوب است اما امروزه بیش از آنکه به فکر ارتباط و همدلی باشیم، به فکر آزار و اذیت کردن همسایه یا دخالت در مسائل محرمانه آنان هستیم.

■ **کوچه ورود ممنوع را نرو!**

کاش همه ورود به حریم زندگی دیگران را ممنوع بشماریم چرا که عدم توجه به برخی ممنوعات شاید به زندگی تو ضرری وارد نکند اما زندگی دیگران را به چالش می‌کشد. شاید اگر یک کوچه ورود ممنوع را بر روی، برای تو آسیب‌زا نباشد اما قطعاً با این کار جلوی راه بقیه را گرفته‌ای. پس نه دخالت کنیم نه دخالت در زندگی را بپذیریم.

■ **آنها ساختمان می‌سازند، مردم با صدایش می‌سازند**

به مجادله می‌پردازیم اما برای امنیت بهتر و مدیریت بیشتر هیچ تلاشی نداریم. سر تا سر شهر به نوعی در حال ساخت و ساز است. آنها می‌سازند. شب از صدای خاک‌برداری و گودبرداری و کامیون خواب نداریم. صبح اول وقت با صدای کلنگ زدن ساختمان بغلی یا رد شدن وانتی با صدای بلندش از پشت بلندگو زباله‌ها را شویم.

■ **مراقب دیوارهای دهنِ لق باشیم**

امان از این دیوارهای دهنِ لق! انگار ضخامت دیوار خانه‌ها هم کم‌کاری می‌کنند و دست از فاش کردن اسرار خانه‌ها بر نمی‌دارند. انگار همه چیز دست به دست هم داده است. از یک طرف رعایت نکردن فرهنگ آپارتمان‌نشینی، در ساخت کوچه و ساختمان و... لازم است در گام اول فرهنگ آپارتمان‌نشینی را فراگیریم و در گام دوم باید قدرت پذیرش داشته باشیم تا بتوانیم سطح سازگاری خود را نسبت به محیط اطراف‌مان بالا ببریم.

■ **معمار مهربان خانه‌های‌مان باشیم**

معماری خانه‌های ایرانی را به مدل خانه‌های غربی فروختیم اما اکنون وقت خوب استفاده کردن از همین داشته‌های فعلی است. چه بسا دل آدم‌ها هم درست مثل یک خانه نیاز به یک معمار دارد. دلت که اشتباه ساخته شده دیگر با هر چیز سازگاری خود را نسبت به محیط معمار می‌خواهد. وظیفه‌ای معمار فقط چینش مصالح یک ساختمان نیست، بلکه لازمه آن وجود معماری است که جنس مهربانی‌ها را از ناهربانی‌ها تشخیص داده و تفکیک کند. عشق را غریب‌اند و تنفر را دور بریزد. چرخه کلماتش ساده باشد اما به پیچیده‌ترین شکل ممکن دوست داشتن را از برز باشد. جنس مرغوب را از نامرغوب تشخیص دهد و اگر بیمار شد، طبابت کردن دل را هم بلد باشد. جنسی باشد که اگر زینتی هم نبود اما تا عمر داری برایت عمر کند و خانه دل را آباد گراند.

به خاطر داشته باشیم که ما خواه ناخواه در شهر به این پرجمعیتی مشغول امرار معاش و زندگی هستیم جایی که علاوه بر خوبی‌هایش، مشکلات کلاتی را هم برای ما و دیگر همشهری‌ها به بار آورد و خواه ناخواه آپارتمان‌نشینی این روزها بر مردمان شهرنشین حاکم شده اما رعایت برخی موارد می‌تواند مشکلات موجود بر سر راه مردم را حل کند. یکی از این موارد وقت‌شناسی است، باید بدانیم هر خانه‌ای سیستم و سبک زندگی متفاوتی دارد. پس قرار نیست ساعت خواب و بیداری خانوارها یکسان باشد اما با رعایت وقت‌شناسی و آمد و شد و جاروبرقی و... در زمان‌های مناسب می‌توان موجبات رضایت همسایه را فراهم کرد.

مسئله بعدی رعایت نظافت است. راه‌های ساختمان، آسانسور، پارکینگ و... باید عاری از هر گونه کثیفی باشد. استفاده از هود، هواکش، خوشبوکننده، عود و... باعث می‌شود دیگر بوی غذای هر خانه‌ای در فضای راه به نیچید. هر وقت همسایه‌بالایی تصمیم به شستن ترأس‌شان می‌گیرد ترأس خانه‌مان خیس و کثیف می‌شود. دیگر بماند اگر لباس بیرون پهن باشد چه بلایی سر لباس‌های تمیزمان می‌آید! یادمان باشد پارکینگ آپارتمان کارواش شخصی ساکنین نیست! با امید روزی که در رفتار با همسایه با ملاحظه عمل کنیم و آنان را محترم بشماریم.